

## اعلامیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست هشدار

بار دیگر تهدیدات نظامی و فضای جنگی بر سر جامعه ایران سایه افکنده است. علاوه بر تحریم های اقتصادی و تشدید آن که تا کنون دودش به چشم مردم ایران رفته و به بهانه ای در دست جمهوری اسلامی برای تعرض گسترده به سفره مردم و تشدید تورم و گرانی و گرسنگی تبدیل شده است، دولت اسرائیل گزینه جنگ را نیز پیش کشیده و جمهوری اسلامی به ماجراجویی هایش ادامه میدهد. دولت آمریکا مستاصل از شکست در عراق، به دنبال فرصت و متعاقبا وارد شدن در جنگی است که اسرائیل میخواهد آغازگر آن باشد. هر سه طرف این ماجرا هر کدام به دلیل شرایطی که در آن بسر میبرند به این جنگ نیاز دارند. اما این نزاع و عریضه کشی ها هیچ ربطی به منافع مردم در این کشورها ندارد. بالعکس، حمله نظامی به ایران مستقیما به ضرر حرکت آزادیخواهانه مردم ایران است. تحریکات نظامی اسرائیل و آمریکا فضای زندگی مردم ایران را بیش از پیش اسلامی و میلیتاریزه کرده و به جمهوری اسلامی امکان تعرض گسترده تری را میدهد. هم اکنون تعرض به حقوق و آزادیهای سیاسی مردم بیش از پیش تشدید شده است. این فضا همچنین تحریک جریانهای ارتجاعی و دستجات قومی و گانگسترهای سیاسی را موجب می گردد. تهدیدات نظامی اسرائیل و آمریکا هشدارهای به طبقه کارگر و مردم

صفحه ۳

## مردم و جمهوری اسلامی در هفته ای که گذشت



رحمان حسین زاده

مردم و جمهوری اسلامی روزمره دست به گریبان یکدیگرند. این یک بعد مهم حیات روزمره جامعه ایران است. در مقابل حاکمیت تحمیلی جمهوری اسلامی، در مقابل تعرض سرمایه داران و دولت اسلامی به سفره خالی کارگر و مردم زحمتکش، در مقابل گرانی و فقر مطلق و بیکاری، در مقابل قوانین و موازین قرون وسطایی اسلامی، در مقابل تحمیل پوشش اسلامی و حجاب، در مقابل اسلامیزه کردن محیط آموزشی و دانشگاهها، در مقابل سلب آزادیهای فردی و اجتماعی روزمره، در مقابل سرکوب و ارباب و فشار و دستگیری و زندان و شکنجه و اعدام توسط این رژیم، اعتراض و ایستادگی گاه گسترده و موثر و گاهی محدود دیده میشود. جمهوری اسلامی با اتکا به همه ابزارهای سرکوب و ارباب و تحمیل اگر چه تناسب قوای نامساعد را بر جامعه تحمیل کرده، اما نتوانسته است، کارگر، جوان و زن و مردم حق طلب را به تمکین بکشاند. این ناسازگاری بزرگ جمهوری اسلامی با جامعه ایران و پاشنه آشیل تداوم حیات آن است. در هفته گذشته ما شاهد مواردی از اعتراض و مبارزه مردم، کارگران، دانشجویان و معلمان بودیم. در اینجا مرور کوتاهی بر این اعتراضات خواهیم داشت.

مردم مشهد در اعتراض به گرانی سرسام آور، باردیگر در جمعه هفتم تیر در پارک ملت دست به تجمع زدند. اعتراض خود را نسبت به شرایط سخت معیشتی



ثریا شهابی

فا تحین قله ارتجاع  
حاکمین قلعه توحش

طبق اخبار منتشر شده توسط سازمانهای مدافع حقوق زن، یک دانشجوی اصفهانی در شهرکرد خودکشی کرد. فریناز ۲۱ ساله که دانشجوی پزشکی بود، دو روز قبل از خودکشی به خاطر حجاب از سوی ماموران مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت شده بود. او پس از آزادی دست به خودکشی زد.

در این زمینه، مشاور وزیر علوم، خودکشی در بین دانشجویان را دومین علت اصلی مرگ بین دانشجویان بر شمرد. رئیس حراست کل وزارت علوم اعلام میکند که از هر ۲۸ مورد خودکشی دانشجویی در ایران، ۷ مورد مربوط به پسران است و ۲۱ مورد دیگر مربوط به دختران است. آمارهای دولتی اعلام میکنند که سالانه ۴۲۰۰ دانشجوی ایرانی خودکشی می کنند که بخشی از آنها به مرگ دانشجو منتهی می شود. دانشجویان این خودکشی ها را انعکاس اعتراض نسبت به احضارها به کمیته های انضباطی و حراست، و وجود جو خفقان و فضای پادگانی شدن در دانشگاهها، میدانند. و این در حالی است که بیشترین مرگ و میر بین جوانان در کشورهای پیشرفته، ناشی از تصادفات رانندگی، و کم توجهی هنگام مکالمه با تلفن های موبایل است. مرگ دانشجویان در ایران اما، خودکشی به خاطر محرومیت از ابتدایی ترین حق انسان، حق پوشش و معاشرت و امید به آینده و پیشروی است. ایران در زمینه خودکشی جوانان و دختران جوان، یکی از مراتب بالا در جهان را از آن خود کرده است. و این تنها یکی از ویژگی های حاکمیت اسلام در ایران است. اخبار بیشتر را بخوانید! طبق گزارشات

صفحه ۳

## در صفحات دیگر

طرح ارتقای امنیت اجتماعی - طرح پیشگیرانه و دفاع از خود است  
مظفر محمدی

صفحه ۴

## پاسخ به دو پرسش منصور حکمت

صفحه ۵

چهارمین کنفرانس سالانه تشکیلات بریتانیای  
حزب حکمتیست با موفقیت به پایان رسید

صفحه ۶

ساعات پخش تلویزیون پرتو  
۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ هر شب به وقت تهران  
تکرار: روز بعد ۳ تا ۴ بعد از ظهر،  
ماهواره هات برد، کانال ۶

نشریه مذب کمونیست کارگری حکمتیست  
هر هفته سه شنبه ها منتشر می شود  
پرتو را بفهوانید و به دوستان فود معرفی کنید

## زنده باد سوسیالیسم



اعلام کردند .  
 دانشجویان دانشگاه فردوسی حمایت خود را از این مبارزات نشان دادند. دستگیری فرزاد حسن زاده و توحید دولت شناس دو دانشجوی آزادیخواه به همراه ۲۰۰ نفر از شرکت کنندگان در این تجمع اعتراضی و سپس ربوده شدن محمد زرعتی از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، همگامی دانشجویان را با مبارزات مردم نشان میدهد. به میدان آمدن مردم، اعمال مستقیم اراده مردم و ابتکارات از پایین، تلاش برای ایجاد اتحاد و همبستگی مبارزاتی بخشهای معترض جامعه موثرترین شیوه مقابله برای عقب راندن جمهوری اسلامی و ارتجاع است که در تجربه اعتراض مشهد دیده میشود. اما همزمان در تجمع اعتراضی مشهد ما شاهد تلاش ناسیونالیستهای ایرانی و مدیای راست لس آنجلسی برای کشاندن این اعتراضات به مسیری هستیم که نه تنها کوچکترین ربطی به منفعت مردم ندارد، بلکه مستقیماً علیه منافع مردم است. تلاش برای وصل کردن مطالبات کذابی "رفراندم، رفراندم و خلیج همیشه فارس" ربطی به مبارزه علیه گرانی و فقر و انسان ستیزی جمهوری اسلامی و ارتجاع ندارد. مردم آگاه و جنبش اعتراضیشان و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب میتوانند، این جریانات دست راستی و سیاست و مطالبات آنها را در میان مردم ایزوله کنند. میتوانند درست مانند جریان دلقکی "هخا" آنها و سیاست و شعارهایشان را افشاء کنند. این تجربه باید هوشیاری جنبش آزادیخواهان را بالا ببرد.  
 - اعتراض دانشجویی در چند دانشگاه کشور ادامه داشت. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

شیراز علیه محدودیتهای موجود در محیط آموزشی، علیه وضعیت بد غذایی و بی لیاقتی مدیران و با شعار "مدیر بی لیاقت، استعفا استعفا" تحسن اعتراضی قدرتمند داشتند.  
 در اقدام دیگری بیش از ۲۰۰ تن از دانشجویان دختر دانشگاه مازنداران، روز چهارشنبه گذشته در حرکت اعتراضی مطالبات صنفی خود را مطرح کردند و به گفته یکی از دانشجویان معترض خواستار حقوق انسانی خود شدند. در دانشگاه صنعتی شریف، مسئولین دانشکده هوا فضای این دانشگاه به علت عدم توجه رئیس دانشگاه به مشکلات دانشکده هوافضا اعتصاب خود را شروع کردند. مسئولین دانشکده هوا فضا تاکید کرده اند، در صورت عدم جواب قانع کننده، درب این دانشکده را قفل خواهند کرد.  
 - در بخش دیگری از جامعه و در خبر دیگری آمده است که جمع زیادی از معلمان بازنشسته کرمانشاه برای چندمین بار طی هفته های اخیر در مقابل سازمان آموزش و پرورش استان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شده اند. معلمان بازنشسته کرمانشاه خواستار پرداخت حقوق معوقه و پاداش پایان خدمت خود هستند.  
 - طبق اخبار رسیده، کارگران نیشکر هفت تپه بعد از ۵۰ روز اعتصاب و تجمع اعتراضی مستمر، روز چهارشنبه ۵ تیر با وعده کارفرما مبنی بر پرداخت حقوق معوقه سه ماه در مدت دو هفته آتی موقتاً به اعتصاب خود پایان داده و به کار برگشته اند. کارگران تاکید کرده اند، در صورت عدم اجرای این تعهد از جانب کارفرما باردیگر به اعتصاب و دیگر اشکال اعتراضی دست خواهند زد.  
 - کارگران ایران خودرو از صبح

روز دوشنبه دهم تیر به علت اعتراض به تغییر شیفت های کاری از دو هفته به یک هفته، پایین بودن حق بهره وری، و سایر مزایای نقدی کارگران و سختی کار در خط تزئینات کارخانه به اعتصاب غذا اقدام کرده اند. اعتراض کارگران این کارخانه علیه بی حقوقی و شرایط میتواند و باید مورد حمایت هم طبقه ایها و ییشان و مردم قرار گیرد.  
 در همانحال باید تاکید کرد، اعتصاب غذا روش مناسب پیشبرد این اعتراض و مبارزه نیست. تجمع اعتراضی، اعتصاب و تعطیلی کار و اعتراضات جمعی میتواند روش موثرتر این مبارزه باشد.  
 - در عرصه کارگری در هفته گذشته ما شاهد اتفاق ناگواری برای هم طبقه ایهایمان بودیم. در کارخانه گاز محمد شهر کرج به دنبال انفجاری در ساعت ۲۲ بعد از ظهر یکشنبه نهم تیرماه ۱۵ نفر از کارگران جان خود را از دست دادند. مسئولیت این فاجعه مستقیماً بر عهده صاحب کارخانه و صاحبان سرمایه است که به دلیل سودپرستی سرمایه، حاضر نیستند با هزینه کردن لازم سیستم ایمنی با استاندارد خوب در محل کار ایجاد کنند. کارخانه ها و مراکز کار ایران چه دولتی و چه خصوصی به قتلگاه کارگران تبدیل شده، که به دلیل شرایط ناامن کار و نبودن سیستم ایمنی با استاندارد قابل قبول امروزی، هراز چند گاهی شاهد این فجایع هستیم.  
 اعتراضات و مبارزاتی که در اینجا مرور شد، تنها گوشه ای از جنگ و کشمکش دایمی کارگران و مردم حق طلب با سرمایه داران و جمهوری سیاه اسلامی است. قیلا هم نوشته ام. این مبارزات میتواند به انفجارهای اجتماعی

هدفمند و موثری علیه وضع موجود و علیه جمهوری اسلامی تبدیل شود، به شرطی که اتحاد و تشکل و همبستگی این اعتراضات گسترش یابد.

به شرطی که خواسته و مطالبات فوری و بر حق کارگران و مردم بر آن ناظر شود. به شرطی که با تحقق این مطالبات گشایش و بهبودی در شرایط کار و زندگی کارگران و مردم ایجاد شود.

به نحوی که علاوه بر ایجاد اتحاد و همبستگی مبارزاتی ضروری در هر کارخانه و محل کار و محلات و دانشگاه و در میان هر بخش معترض جامعه، اتحاد و همبستگی و حمایت سراسری مبارزاتی در سطح کشور را هم ایجاد کرد.

اینجا با توجه به تجربه اخیر مشهد میخوام این تاکید را دوباره کنم که این مبارزات میتواند هدفمند و موثرتر شود به شرطی که روشن بینی و آگاهی کافی در خدمت منافع کارگران و مردم آزادیخواه بر آنها ناظر باشد. به شرطی که جریانات بورژوازی و ضد منافع مردم امثال ناسیونالیستها و فدرالیستها و سلطنت طلبان و دیگر "دوستان دروغین مردم" نتوانند این مبارزات را دستمایه اهداف ارتجاعی خود بکنند. رهبران و فعالین کمونیست اعتراضات کارگران و مردم و دانشجویان و زنان و جوانان و مردم حق طلب اساساً میتوانند با هوشیاری این آگاهی و روشن بینی در اهداف مبارزاتی را تامین کنند و بویژه در ارتباط با هم و با پیوند دادن اعتراضات بخشهای مختلف جامعه میتوانند به اتحاد و همبستگی سراسری مبارزاتی شکل دهند. این وظیفه تخطی ناپذیر پیشروان کمونیست مبارزات جاری است.

\*\*\*

### تغییر ساعت پخش برنامه به زبان کردی تلویزیون پرتو

به اطلاع عموم میرسانیم که منبصد برنامه های تلویزیون پرتو به زبان کردی (روزهای یکشنبه ۸،۳۰ ساعت تا ساعت ۹،۳۰ از کانال ۶ پخش میشود.

## دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

ادامه از ص ۱

اعلامیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

هشدار

ایران و همه نیروهای اپوزیسیون مخالف جنگ است که برای ممانعت از آن تلاش کنند. طبقه کارگر و جنبش کمونیستی باید همه قدرت خود را برای ممانعت از این فاجعه به میدان آورند. جنگ بر عمر جمهوری اسلامی می افزاید و تحریم ها هم بر نان سفره کارگران و مردم سرشکن میشود. بنا بر این مساله اصلی تعیین تکلیف مردم با جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی به امرعاجل طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران تبدیل شده است. طبقه کارگر و مردم به جان آمده از تورم و گرانی و گرسنگی برای دفاع از معیشت و زندگی خود به اعتصابات کارگری سراسری و قدرت و ابتکارات توده ای نیازمندند. مواد غذایی و نیازمندیهای حیاتی مردم در انبارهای سرمایه داران و دولت احتکار شده است. کرور کرور از درآمد جامعه صرف مخارج سپاه

پاسداران، نیروهای امنیتی، جاسوسی و پلیس و بسیج و خیل آخوندها و حوزه های علمیه و مساجد و غیره میگردند. این مخارج باید قطع شده و به مصرف نیازهای جامعه برسند. انبارهای محترکین باید توسط مردم سازمانیافته در نهادها و کمیته های مردمی مصادره و میان گرسنگان توزیع شوند.

**مردم!**  
هر نوع نزدیکی به آمریکا، اسرائیل یا جمهوری اسلامی تحت هر نام و بهانه ای، شریک شدن در جنایت علیه بشریت است و باید محکوم شود. برای جلوگیری از جنگ باید به میدان آمد. جمهوری اسلامی تنها با تحت فشار قرار گرفتن از جانب مردم و تنها در ترس از مردم دست از ماجراجویی برمیدارد.

مقدم بر هر چیز آزادی، برابری، شادی، رفاه، استثمار نشدن، سرکوب نشدن، بهداشت، خلاصی فرهنگی و تعالی فیزیکی

و معنوی حق شماست. باید در مقابل میلیتاریزه کردن فضای جامعه، علیه تحمیل اختناق اسلامی و نظامی در کارخانه و مدرسه و دانشگاه و محل کار و زندگی، علیه حمله بیشتر به سطح معیشت مردم به بهانه جنگ ایستاد. باید دفاع از امنیت، معیشت و زندگی را سازمان داد. باید در محلهای کار و زندگی متحد شد و کنترل اوضاع زندگی خود را بدست گرفت.

کمیته های محله و کارخانه را ایجاد کنید! واحد های گارد آزادی را بوجود بیاورید! متشکل شوید! مبارزاتتان را به هم وصل کنید! با تشکیل انواع تشکلهای محلی و سراسری، خود را در مقابله با بحران جنگی، حاضر و تجهیز کنید. مجمع عمومی مردم محل و کارگران کارخانه را برگزار کنید! اجازه ندهید مثنی اوباش سیاسی در ایران، اسرائیل و آمریکا آینده ما و فرزندانمان را رقم بزنند. تنها راهی که وجود دارد، متشکل

شدن، متحد و قدرتمند شدن مردم ایران برای عقب راندن ارتجاع اسلامی و خارج کردن زندگی خود از کنترل جمهوری اسلامی است.

**رهبران کارگری، فعالین کمونیست!**  
مردم و تاریخ جریان ها و شخصیت هایی را که در این مقطع، آینده این جامعه را فدای محدودنگری، صنفی گری، احساسات ناسیونالیستی و قومپرستی و بدتر از همه فدای ندیدن عواقب جنگ می کنند، نخواهند بخشید. امروز روزی است که باید نقش بازی کنید. طبقه کارگر و مردم را متحد کنید، به میدان بیاورید و مانع از این فاجعه شوید!

**حزب کمونیست کارگری - حکمتیست**  
ششم تیرماه ۸۷ (۲۶ ژوئن ۲۰۰۸)

ادامه از ص ۱

فاتحین قله ارتجاع حاکمین قلعه توحش

منتشر شده از طرف سازمانهای مخالف اعدام، طی ده سال گذشته دستگاه قضایی ایران ۱۷۷ حکم اعدام برای نوجوانان متهم زیر ۱۸ سال صادر کرده است. حکم ۳۴ محکوم اجرا شده و حدود ۱۱۴ نفر دیگر منتظر اجرای حکم هستند. جوان ترین این محکومین کودکی بنام احمد نوروزی است که تنها ۱۲ سال دارد. این آمار ها و گزارشات، طبعاً قتل و کشتارهای سیاسی از کودکان و نوجوانان، و شرکت کنندگان در تظاهرات ها و جنبش های اعتراضی، را شامل نمی شود. پرونده جمهوری اسلامی در زمینه این نوع قتل و کشتار از کودکان و نوجوانان، به خاطر "جرائم اجتماعی - سیاسی" هم یکی از قتلورترین پرونده های جنایتکاران طول تاریخ است!

اما معمولاً حاکمیت های جنایتکار دستهای خون آلودشان را میپوشانند، ابعاد جنایاتشان را انکار میکنند و تخفیف میدهند. این ویژگی را حاکمیت اسلام در ایران ندارد. اظهارات زیر را بخوانید!

آیت الله مفید، رئیس دیوان عالی کشور در مصاحبه ای در مورد اعدام

و قصاص کودکان میگوید: کشتار و قصاص کودکان حکم قرآن است و ما مدعی پیاده کردن نظام اسلامی هستیم و نمی توانیم تحت تاثیر برخی حرف ها قرار بگیریم! و آیت الله حائری شیرازی، نماینده ولی فقیه در فارس و امام جمعه شیراز، ضمن ابراز تأسف از عدم امکان اجرای قانون قطع دست میگوید، "ما هنوز نمی توانیم قانون قطع دست در صورت نزدی را اجرا کنیم. اگر این قانون اجرا می شد دیگر شاهد این آمار بالای سرقت در جامعه نبودیم"

در سایه منجلا ب و حاکمیت یک دست ارتجاع سرمایه در سراسر جهان، حکومت جنایتکار فراوان است! قدرتهای صدور و اجرای احکام اعدام کودکان در جهان، کم نیست. اما کمتر حکومتی این چنین وقیحانه و بیشرمانه خود را مفتخر به اعدام "قصاص" کودکان، این "عدالت" کثیف قرون وسطایی، میداند. کمتر حکومتی مفتخر به منجلا ب است که بر سر اکثریت مردم ریخته است. کمتر حکومتی است که دستهای خون آلود به قتل و آدمکشی اش را، هر روز برای اربعاب، در مقابل چشمان قربانیان قرار دهد. این خصلت و

ویژگی از روز تولد منحصر به نوعی از حکومت سرمایه است که کثیف ترین، ارتجاعی ترین روبنای قرون وسطایی را از اعماق تخریب و بدویت به مسند قدرت پرتاب کرده است. جمهوری اسلامی از روز تولد تا به امروز، مرتفع ترین قله جنایت و توحش را از این خود کرده است.

این بربریت زن ستیز، کودک ستیز، شادی ستیز و انسان ستیز، یک رکن حیات و شالوده ادامه زندگی همه جناحها و دارودسته های حکومت اسلامی در ایران، از "اصلاح طلب" تا "تند رو" و "انحصار طلب" است. بدون این ویژگی و خصلت، بدون قربانی کردن کودکان، زنان، جوانان و سرکوب و اختناق عنان گسیخته قرون وسطایی، بدون حراست و انتظامات اسلامی و حجاب و حکم قصاص و اعدام، نظام سرمایه داری در ایران، از ۲۷ سال پیش تا به امروز، از تیررس جنبش عدالتخواهی، جنبش سوسیالیستی، جنبش کارگری و کمونیسم، در امان نبوده است. این حکومت تنها و تنها به پایه خفقان و توحش قرون وسطایی زنده است و تا امروز حاکمیت نکبت و فقر و تباهی اش را بر سر میلیونها

نفر از مردم ایران از همین راه حفظ کرده است. این شالوده را باید از جا کند! مردم ایران شایسته یک زندگی انسانی و خلاصی از شر این جانوران اسلامی اند!

چاره و راه، به میدان آمدن به زیر پرچمی است که میتواند برای همیشه این فاتحین قتل مرتفع جنایت را همزه با قلعه و برج و بارویشان به زیر بکشد! راه چاره متشکل شدن و پیوستن به نیرویی است که با به میدان آوردن گورکنان این نظام چپمنی، قادر است بر خرابه های مرگ این نظام آدم کش، جامعه ای شایسته انسان، نظامی مرفه و آزاد و برابر را به ارمغان آورد.

باید به حزب حکمتیست پیوست و با نیروی مردم، نیروی طبقه کارگر، زن و مرد و پیر و جوان، اجازه نداد حکومت جنایتکاران هیچ چوبه داری برای هیچ کودک و جوان و هیچ کسی بالا ببرد، اجازه نداد هیچ دستی بر روی هیچ زنی، جوانی، هر انسان معترض و آزادیخواه و برابری طلبی، برای سرکوب بلند شود! باید پا به میدان این جنگ گذاشت! این تنها راه است!

\*\*\*

نه قومی ، نه مذهبی ، زنده باد هویت انسانی

## طرح ارتقاي امنيت اجتماعي ، طرح پيشگيرانه و دفاع از خود است



مظفر محمدي

سران جمهوري اسلامي و دستگاه هاي امنيتي و اطلاعاتي و نظامي ميگويند "طرح ارتقاي امنيت اجتماعي" عليه به اصطلاح "اوباش و ارادل" و براي دفاع از مظاهر اسلامي و از اين قبيل است.

اما اين يك دروغ آشكار است. مساله براي جمهوري اسلامي سياسي و دفاعي است. اين گونه طرحها كه ميروند و مي آيند در واقع طرح و تعرضهاي پيشگيرانه اند. در شرايط بحران سياسي و اقتصادي كنوني، اين تعرضات عكس العمل و پاسخ رژيم به ناتواني خود، تلاش براي حفظ خود و براي اين است كه طبقه كارگر و مردم دست پيش نياندارند. براي پيشگيري از تعرض مردم است.

اوضاع سياسي در ايران و منطقه متحول و پيچيده تر شده است. علاوه بر بحرانهاي اقتصادي و سياسي و تورم و گراني و اعتراض و نفرت عمومي مردم، در ابعاد بين المللي، تحريم هاي عليه ايران تشديد ميشود. تهديدهاي نظامي بيشتر تكرر و مطرح ميگردد. تلاش براي تخفيف بحران هاي منطقه خاورميانه و غيره در

جريان است.

و همه اين تحولات در اوضاعي سياسي و اقتصادي ايران تاثير مستقيم داشته و بازتاب دارند.

جمهوري اسلامي فشارهاي اقتصادي و بحرانهايش را روي مردم سرشكن كرده و فشار را بر نان سفره مردم منتقل ميكند.

در بعد سياسي هم تهديدات و تحريم ها را بهانه تشديد اختناق قرار داده و اوباشش را تحت نام "طرح ارتقاي امنيت اجتماعي" سراغ مردم و بخصوص جوانان پسر و دختر آزديخواه مي فرستد و آزادي و حرمت انساني مردم را مورد تعرض قرار ميدهد...از طرف ديگر دستگيريها و زنداني كردن و شكنج و صدور احكام سنگين و اعدام را افزايش ميدهد...

اما تا اينجا مشاهداتي است كه خود مردم روزمره به آن واقف اند. صرف گفتن اينها و تاكيد بر آنها تصوير يكجانبه اي از جامعه و موقعيت طبقه كارگر و مردم و توازن قواي اجتماعي ميدهد كه واقعي نيست.

حقيقت اين است كه تعرض جمهوري اسلامي به سفره كارگران و مردم و تورم و گراني و گرسنگي، و همزمان تشديد اختناق و فشار بر مردم، از جمله طرحهاي پشت سرهم امنيتي اش، بازتاب اوضاع و احوالي است كه اين رژيم در آن بسر ميبرد. اين از قدرت رژيم نيست. اين انتقال فشار به مردم و در واقع حملات پيشگيرانه هستند. اين راه مقابله رژيم با شورشهاي احتمالي و دخالت مستقيم مردم و ساكت

كردنشان در مقابل گرسنگي و اختناق هر دو است...

اين تعرض ها هميشه مقطعي و گذرا بوده و هستند و همواره توسط مردم به عقب نشانده شده اند. اين هم يكي از آن مقاطع است. ميشود و ميتوان رژيم را به عقب نشيني و تسليم واداشت.

راه اين توان و سازماندهي اين قدرت را بايد نشان داد. بايد به ابزارهاي تعرض مردم و تعرض ممكن دست يافت و اين تعرض را انجام داد. بايد افق و تصوير روشن و راه برون رفت از اين وضعيت را پيش پاي جامعه قرار داد. گفت و نشان داد كه چگونه ميتوان جلو اين وضعيت صفي ايجاد كرد و سدي بست.

راه حل فوري مقابله طبقه كارگر و مردم زحمتكش محلات شهرها با فقر و گراني و گرسنگي، ابتكارات توده اي، ايجاد كميته ها و نهادهاي مردمی و سازماندهي مصادره هاي انقلابي است. اين را بايد با جديت پي گرفت و فضايي درست كرد كه توده هاي مردم و بخصوص فعالين و معتمدان و نمايندگانشان با باور بخود و اعتماد بنفس كامل به اقدام عملي دست بزنند. اين كاري ممكن و بسيار ضروري و حياتي است. نبايد گذاشت يك كودك و يا سالمند و هيچ احدي از گرسنگي بميرد. بايد به منبع رفع گرسنگي يعني به انبارهاي دولت و محكران دست يافت و آن ها را مصادره انقلابي كرد... راه مقابله با تحمیل گرسنگي، نشان دادن قدرت توده

اي است.

و گرنه كارگر و مردم ضعيف و تسليم قضا و قدر زير پا له ميشوند و بيش از پيش تحقير ميگردند و تباه ميشوند.

براي مقابله با اختناق و تهديد و تحقير و بي حرمتي ها، بايد مردم و بخصوص جوانان در محلات شهرها در گروه هاي و واحدهاي گارد آزادي سازمان يابند. گروههاي مقاومت جوانان و مردم بايد اوباش جمهوري اسلامي را به عقب بنشانند. بايد جواب آنها را به روش خودشان داد.

اگر دختران و جوانان و مردم را مورد توهين و تحقير و بي حرمتي قرار ميدهند بايد آنها را تحقير و بي حرمت كرد.

اگر دست روي كسي بلند ميكنند بايد اردنگي بخورند. جواب اهانت به مردم و تحقيرشان را بايد با تو دهنی زدن به آنها داد.

نبايد هيچ تك نفري تحت فشار اختناق دست به خودكشي بزند. راه قدرت يابي توده اي سازماندهي يك تعرض متقابل است. راه ديگري وجود ندارد.

حزب حكمتيست ، حزب انقلابي طبقه كارگر و گارد آزادي بازوي اعمال قدرت توده اي مردم است. جامعه ايران هيچ وقت به اندازه كنوني به حزب انقلابي، حزب قدرت سياسي و به بازوي اعمال قدرت توده اي نياز نداشته است. بايد به اين حزب و به ابزار اعمال قدرت توده اي خود چنگ انداخت

\*\*\*

### به تلویزیون پرتو کمک مالی کنید!

تلویزیون پرتو تریبون زن، کارگر و جوان معترض، تریبون آزادیخواهی است. کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید.



دارنده حساب : A.J

شماره حساب: ۶۰۲۸۱۷۱۹

کد بانکی: ۲۰۵۸۵۱

نام بانک: Barclays

## پاسخ به دو پرسش منصور حکمت

پایاده شده از روی نوار جلسه پالتاک، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱



سیاست رسمی مان اجازه داده به یک رفراندوم و خواست یک رفراندوم در کردستان که آیا مردم کردستان می‌خواهند جدا بشوند یا می‌خواهند در ایران با بقیه مردم با شرایط مساوی با بقیه شهروندان بمانند؟ ولی این رفراندوم را شما می‌گویید باید در مورد گیلان هم گذاشت؟ من اینطور فکر نمی‌کنم! هر چقدر هم ممکن است به مردم گیلان ستم روا شده باشد، مساله ملی که در آن خون بپا شده باشد، بدبینی و دل‌چرکینی بوجود آمده باشد، غم پشت سرش نهفته باشد، خشم انبار شده باشد، چنین مساله‌ای در مورد مردم گیلک نداریم. هر وقت چنین مساله‌ای را برآیمان ساختند، آنوقت مجبوریم با همین نسخه برویم سراغش. ولی ما به استقبال تجزیه آدمها نمی‌رویم، به استقبال جدا کردن انسانها از همدیگر نمی‌رویم، به استقبال تقسیم آنها به کشورهای شش در چهار که در هر کدامش قومی زندگی میکند نمی‌رویم. برعکس جهان باید مرزهایش را بردارد، باید آدمها با هم زندگی کنند، به هر زبانی می‌خواهند حرف بزنند، به هر زبانی می‌خوانند بنویسند و هر کدامش را در مراودات اداری مؤثرتر است بکار ببرند.

من شخصا نه ناسیونالیسم و نه به هیچ ناسیونالیستی می‌خواهم آوانس بدهم.

### برگرفته از سایت حکمت

\*\*\*

که ملیت را تبدیل کند به یک مرز غیر قابل عبور، آدمها را به این ترتیب تقسیم کند و تفرقه در آنها بوجود آورد. برای اینکه بعنوان یک ملت به ملت دیگری زور بگوید، ستم ملی وجود دارد.

ولی ستم ملی را باید رفع کرد، پاسخ ستم ملی، کشور دادن به مردم نیست. هر کس بیاد و به شما بگه حسن آقا دارند پشت سر من جوک درست میکنند، شما به من یک کشور بدهید، شما از او قبول نمی‌کنید. ستم ملی جوابش رفع ستم ملی است.

همانطور که ستم جنسی جوابش رفع ستم جنسی است و ستم نژادی جوابش رفع ستم نژادی و کشور دادن به قربانیانش نیست. این را ناسیونالیستها در دو سه قرن اخیر در جهان باب کرده اند که ملیت مبنای حکومت است.

به نظر من ملت مبنای حاکمیت نیست، مبنای فلسفی حکومت ملیت نیست. مبنای فلسفی حکومت فقط میتواند انسان باشد و اتحاد داوطلبانه آدمهایی که آنجا می‌خواهند زندگی کنند، مبنای شهروندی است.

در نتیجه اگر فرض کنیم که حکومتها قرار نیست ملی باشند و ناسیونالیستی، آنوقت معلوم نیست چرا ستم ملی باید به تشکیل کشورهای مختلفی منجر بشود.

یک نمونه دیگر راجع به مساله ملی ...

اگر ناسیونالیستها همت کنند و چنان مسائل ملی را باد بزنند و چنان فجایع ملی بوجود بیاورند که دیگر نشود بین آن ملتها با زبان خوش صلح و صفا ایجاد کرد، بله مجبوریم بعنوان یک راه حل تلخ از جدایی مردم حرف بزنیم و به رفراندومهایی قائل باشیم که اجازه میدهد که ملتی که به آن خیلی ظلم شده و دیگر خوش بینی اش را نسبت به اتحاد داوطلبانه از دست داده، اگر می‌خواهد جدا بشود. به این اعتبار من می‌پذیرم. در مورد کردستان، خود ما

اسلامی است، من می‌گویم نه، یکی می‌گوید آره. به نظر من ملت و ملیت مقوله ای است سیاسی، مقوله‌ای است ایدئولوژیکی. کسی که تصمیم می‌گیرد برای مثال یک انسان را با قومیتش تعریف کند و بگوید من این را "آذری" میدانم، این را "هوتو" میدانم، این را "پشتو" میدانم، این را "ایگو" میدانم، این را "باسک" میدانم و... دارد یک انتخاب سیاسی میکند و دارد رنگ ایدئولوژی خودش را به آن جامعه می‌زند. ایران ممکن است چند ملیتی باشد یا نباشد، بستگی به این دارد که ایدئولوژی رسمی در آن کشور و تبیین رسمی از آن کشور را کسانی می‌نویسند که مقولات قومی برای شان برجستگی دارد یا نه؟ آگه من باشم می‌گویم نه فقط ایران، بلکه هیچ جا، کشورهای جهان چند ملیتی نیستند.

آدمها با زبانهای مختلف با هم حرف می‌زنند، اینکه به آنها بگویم ملت، حاصل جنبش ناسیونالیستی در این کشورهاست. در دوره‌هایی این آدمها به خودشان نگفته اند ملت. بعدا همین ملتهای موجود ممکن است به چند ملیت دیگر تقسیم شوند. این یک رویداد سیاسی ایدئولوژیکی است و جزو علوم مثبت نیست. اگر مردم ایران را آزمایش بکنیم و DNA هایشان را بررسی کنیم، چیزی راجع به لر یا گیلک بودن آنها را نمی‌گوید. این یک بحث سیاسی است. ایدئولوژیک است.

شما میتوانید انتخاب بکنید که کس دیگری مردم را اینطوری تقسیم بکند. من می‌خواهم اینطوری تقسیمشان نکنم و می‌گویم مردم ایران یک عده انسان متساوی الحقوق هستند و به زبانهای مختلفی هم حرف می‌زنند، امیدوارم زبانهای بیشتری هم یاد بگیرند حرف بزنند.

آیا ستم ملی وجود دارد؟ حتما وجود دارد، برای اینکه ناسیونالیسم وجود دارد و ناسیونالیسم تخصصش این است

**سؤال: آیا هنوز میشود به لنین اتکا کرد؟ آیا لنینیسم هنوز موضوعیت دارد؟**

منصور حکمت: ببینید، لنین تا آنجا که در مورد شرایط تاریخی یک کشور با تاریخ مشخص حرف می‌زند و احکامی که صادر میکند، لزوما قابل تعمیم نیست.

ولی من لنین را بعنوان کسی که ایده انقلاب کمونیستی و ایده امکان‌پذیری سوسیالیسم را مطرح میکند، و مساله را ربط میدهد به دست بردن حزب کمونیستی به قدرت سیاسی، با این عنوان فکر میکنم لنین جلوی حزب ماست و همیشه موضوعیت داشته است. لنین کسی است که مارکسیسم را از دیدگاههای اولوسیونیستی و تکامل‌گرایانه و این که دنیا منتظر میماند تا سوسیالیسم یک وقتی خودش در تاریخ سبز بشود، نجات داد و تبدیلش کرد به کار انسان زنده و تلاش سیاسی آدمهای زنده. نقش لنین این بود که این موقعیت را شناخت و دست برد برای قدرت. اگر این موضع را با خشنودی و یا ناخشنودی عده‌ای از حزب کمونیست کارگری ربط بدهید، لنین را از معنی واقعی‌اش گرفته‌اید و ما مدهتاست که این گرایش که سوسیالیسم را به پس فردا حواله میدهد، کنار گذاشته‌ایم.

ما گفتیم که این حزب توی همین دوره سعی میکند که این نقش را بازی کند و موظف است بازی کند. کمونیسم موظف است برود برای قدرت، که بتواند این انتخاب را به جامعه و طبقه کارگر بدهد که با سوسیالیسم از تحول انقلابی بیرون برود. به هر حال روش لنین مبرمیت دارد و مبرمیت بیشتری دارد.

**سؤال: آیا ایران کشور چند ملیتی است؟**

منصور حکمت: اطلاق چند ملیتی به یک کشور یا یک جامعه یک انتخاب سیاسی است، کما اینکه اگر بپرسند آیا ایران یک جامعه

## چهارمین کنفرانس سالانه تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیست با موفقیت به پایان رسید

تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیست در روز ۲۸ ژوئن ۲۰۰۸ کنفرانس سالانه خود را با شرکت بیش از ۷۰ نفر از اکثریت کادرها و اعضای حزب، همراه با حضور تعدادی از مهمانان و دوستداران حزب برگزار کرد. کنفرانس پس از سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت بیاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم با سخنرانی پرشور سعید آرمان افتتاح شد. وی در سخنرانی خود همراه با ارائه گزارشی کامل از یکسال کار و فعالیت حزب در بریتانیا به موقعیت و نقش و عملکرد حزب در این دوره پرداخت. به شکست کشاندن سیاست های جمهوری اسلامی در دوره گذشته - از آکسیون های اعتراضی در اقصی نقاط بریتانیا در دفاع از مبارزات کارگران و دانشجویان تا به شکست کشاندن پروژه رژیم در کنفرانس دانشگاه منچستر - و نقش تعیین کننده کمیته تشکیلات بریتانیای حزب در خودآگاه کردن مردم از اوضاع امروز و همچنین همکاری با حزب کمونیست کارگری عراق، جریانات مختلف حزبی و افراد مستقل، از جمله نکاتی بود که در سخنرانی سعید آرمان مورد بررسی قرار گرفت. بدنبال سخنرانی ایشان، پیام حزب کمونیست کارگری عراق از طرف نماینده تشکیلات این حزب در منچستر به کنفرانس تقدیم شد. سپس، تصویب آیین نامه و انتخاب هیئت رئیسه و همچنین اسلاید شو هایی از فعالیت یکساله حزب توسط بهزاد جواهری برای حضار به نمایش گذاشته شد. در ادامه نوبت اظهار نظر راجع به گزارش و کلیه فعالیتهای حزب در این دوره بود. شرکت کنندگان بر نکات مهمی از کارائی سازمان و عملکرد نهادهای حزبی تا روند انتقال و رساندن ادبیات حزب به دست جامعه تاکید کردند و بر نقاط قوت و ضعف این تشکیلات بمنظور پیشروی های آتی، انگشت گذاشتند و همچنین نکات با اهمیتی که تشکیلات آینده بریتانیا باید مد نظر داشته باشد. خالد حاج محمدی دبیر اجرایی

حزب حکمتیست طی سخنرانی خود ضمن قدرانی از فعالیت های یکسال گذشته کمیته بریتانیا، در اشاره به اوضاع سیاسی که امروز در سطح دنیا و جامعه ایران در جریان است، به اهمیت جایگاه حزب پرداخت و بر این مبنا تاکید کرد که کار متشکل سازمانی می تواند نقش تعیین کننده ای بوجود آورد. جمال کمانگر دبیر تشکیلات خارج حزب، بحث حزبی و جایگاه آن در مبارزه کمونیستی را ارائه داد. وی ضمن توجه جدی به ساختمان حزب و تضمین عملکرد نهاد های حزبی، بویژه کمیته کشوری و واحدهای شهری، بر جا انداختن تحزب کمونیستی پافشاری کرد. ایشان، تضمین جلسات منظم مجمع کادرها و تضمین برنامه های آموزشی و ارتقای دانش مارکسیستی اعضا را شرط اساسی آگاهی در ارتقاء بدنه حزب دانست. سپس، بحث عضو عضوگیری و حق عضویت توسط سعید آرمان ارائه شد که به اهمیت عضوگیری و گسترش نفوذ حزب و رابطه آن با قدرت سیاسی و تعیین تکلیف با نظام نابرابر سرمایه اشاره نمود. حزبی که بخواهد نقش تعیین کننده در سرنوشت جامعه ایفا کند، نمیتواند فقط در میان نخبگان عضو بگیرد بلکه باید ظرفیت میلیونها عضو را داشته باشد و به همین دلیل، هزاران ایرانی مقیم بریتانیا که آرمانهای انسانی دارند و علیه کار مزدی و به برابری و آزادی فکر میکنند، می توانند به حزب ما و در راستای مبارزه مشترک و آرمانهای خوب انسانی بپیوندند. سعید آرمان در حین صحبت های خود از شرکت کنندگان کنفرانس که هنوز عضو حزب نشده بودند درخواست کرد تا به حزب بپیوندند. در حین کنفرانس ۷ نفر از زنان و مردان جوان به حزب پیوستند و مورد تشویق حاضرین قرار گرفتند. سپس پلاتفرم دوره آتی که توسط سعید آرمان و فواد عبداللهی تهیه و تنظیم شده بود، توسط فواد عبداللهی ارائه شد و به اتفاق آرا بتصویب کنفرانس رسید. پلاتفرم ضمیمه گزارش میباشد. بخشی از

کنفرانس به مباحث آزاد اختصاص داده شد که یکی از مهمانان کنفرانس، یدالله خسروشاهی به وظایف کمونیستها در قبال جنبش کارگری پرداخت. ایشان در سخنان خود ضمن ابراز اینکه این اولین جلسه یا کنفرانس حزبی است که در طول تاریخ مبارزه سیاسی اش در آن شرکت میکند از دعوت خود به این کنفرانس تشکر کرد و از ترکیب سن جوان که در کنفرانس شرکت کرده اند ابراز خرسندی کرد. یدالله خسروشاهی در ادامه صحبت هایش از دوره جدیدی که اتحادیه های کارگری در سطح جهانی وارد کارزار در دفاع از جنبش کارگری ایران شده اند، نام برد و آن را ستود و در ادامه کمونیستها و احزاب چپ مدافع جنبش کارگری را به حمایت وسیع از این کارزار دعوت نمود. مبحث آرایش کمیته و انتخابات برای تعیین رهبری آتی تشکیلات بریتانیا توسط سعید آرمان ارائه شد که ضمن اعلام کنارگیری اش از کار کمیته بریتانیا به دلیل سایر فعالیتهای دیگر، بر مولفه هایی که باید در آینده، کمیته منتخب مد نظر داشته باشد و همچنین بر تحکیم رابطه کمیته با اعضا و بالعکس، تاکید گذاشت. از ایشان به خاطر فعالیت کمونیستی و زحمات شبانه روزی چند ساله شان در راس تشکیلات حزب در بریتانیا که در رشد و توسعه نفوذ سیاسی - اجتماعی حزب موثر واقع شد، قدرانی به عمل آمد و از جانب جمال کمانگر دبیر کمیته خارج کشور دسته گلی به رفیق سعید آرمان تقدیم شد که با تشویق و کف زدنهای شرکت کنندگان در کنفرانس روبرو شد. سعید آرمان از اینکه افتخار چنین حمایتی را در سالهای فعالیت خود در تشکیلات بریتانیا کسب کرده بود، ابراز خرسندی کرد و به این مهم که بدون امر تحزب و ابراز وجود رفقای زیادی که در این کنفرانس حضور دارند و تعداد بیشتری که متأسفانه بدلیل ماموریت های حزبی و یا دلایل دیگر امروز در این اجتماع حضور ندارند، ممکن و عملی نمی بود. بدون زحمات بی

شائبه ای که رفقا در برگزاری تحصن در مقابل امنستی، به شکست کشاندن دهه فجر در لندن و طرد و بی آبرو کردن جمهوری اسلامی در کنفرانس منچستر و موارد متعدد دیگر، قادر به کسب این پیروزیها نمی شدیم. در پایان، فرایند انتخابات، کاندیدها و شمارش آرا به اجرا در آمد که رفقای منتخب کمیته آتی شامل: رامین حیدری، محسن ابراهیمی، آرمان آزادی، فریبرز سلطانی، جمیل خوانچه زر و فواد عبداللهی بودند. کمیته منتخب در اولین نشست کوتاه خود که بعد از پایان کنفرانس برگزار کرد، در میان دو کاندید برای دبیری کمیته - آرمان آزادی و فواد عبداللهی -، فواد عبداللهی را با اکثریت آراء به دبیری کمیته بریتانیا انتخاب کرد و بدنبال آن محسن ابراهیمی نیز به اتفاق آراء بعنوان مسئول مالی کمیته انتخاب شد.

بعد از کنفرانس، یک ساعت و نیم به گفت و شنود با رهبری حزب حکمتیست اختصاص داده شد که رفقا خالد حاج محمدی، آذر مدرسی و جمال کمانگر در پانلی به این منظور شرکت داشتند که توسط سعید آرمان اداره شد. خالد حاج محمدی بطور مختصر به جنبه هایی از مبرم ترین مسائل جاری در ایران از جمله فقر و فلاکت و گرانی و راه های مقابله با آن، شبخ جنگ بر فراز جامعه ایران، مبارزات کارگری و دانشجویی و زنان و گارد آزادی و دستاوردهای حزب حکمتیست و دورنمای فعالیتهای ما و شتابی که در این زمینه ها باید داشته باشیم، اشاره نمود. در ادامه به سوالات متعدد شرکت کنندگان در مورد مواضع حزب حکمتیست از جانب پانل پاسخ داده شد و با اختتامیه سعید آرمان و قدرانی از کلیه رفقای که در تدارک این کنفرانس از منچستر تا لندن و برمینگهام نقش داشتند، کنفرانس در میان فضایی پر شور رسماً به کار خود پایان داد. بعد از کنفرانس تا پاسی از شب به جشن و شادی اختصاص داده شد.

تشکیلات بریتانیای حزب  
حکمتیست

# سرنگون باد جمهوری اسلامی